

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نیایش‌های پیامبر (ص)

گزینش و ویرایش:
دکتر محمود مهدوی دامغانی

ترجمه:
کمال‌الدین غراب

محمد^(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق.
[نیایش‌های پیامبر (فارسی-عربی)] - برگزیده‌ها.
نیایش‌های پیامبر/گزینش و ویرایش محمود مهدوی دامغانی؛ ترجمه کمال‌الدین
غراب - مشهد: جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۸۵.

ISBN: 978-964-324-472-9

۲۸۰ ص.

کتابنامه: ص. [۲۷۹] - ۲۸۰.

۱. محمد^(ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- دعاها. الف. مهدوی
دامغانی، محمود، ویراستار. ب. غراب، کمال‌الدین، مترجم. ج. جهاددانشگاهی
مشهد. د. عنوان.

۲۹۷/۷۷

BP ۲۷۱ / ۱ / ۹۸۲م ۳۶



انتشارات جهاددانشگاهی مشهد

مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه، سازمان مرکزی جهاددانشگاهی

ص. پ. ۱۳۷۶ - ۹۱۷۷۵ تلفن: ۳۸۸۳۲۳۶۷ دفترپخش: ۳۸۸۲۹۵۸۹

info@jdmpress.com www.jdmpress.com

نیایش‌های پیامبر^(ص)

گزینش و ویرایش: دکتر محمود مهدوی دامغانی

ترجمه: کمال‌الدین غراب

ISBN: 978-964-324-472-9

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۴-۴۷۲-۹

کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

- پیشگفتار استاد، دکتر محمود مهدوی دامغانی / ۱۱
- پیشگفتار مترجم / ۱۷
- نیایش‌های پیامبر اکرم (ص) / ۲۳
- زندگی / ۲۵
- گوهر اشیاء / ۲۵
- کالبد زیبا، خوی زیبا / ۲۶
- تنها در یک رگ / ۲۶
- درست و استوار / ۲۷
- روزی آل محمد (ص) / ۲۷
- رزق پیامبرانه / ۲۸
- در خوراک سحرگاهی / ۲۸
- بر آزار همتباران / ۲۹
- در مرگ / ۲۹
- ای دگرگون‌ساز دل‌ها / ۳۰
- سه نکوهیده / ۳۰
- روزی، در پایان عمر / ۳۱
- الهام بالندگی / ۳۱
- در چشم خود و دیگران / ۳۲
- نیازآوری و خاکساری / ۳۲
- از خوی‌های ناپسند / ۳۲
- بر احزاب / ۳۳
- برای اصحاب صفّه / ۳۴
- زندگانی راستین / ۳۴
- نیکی آن سرا / ۳۵
- خشنودی خدا و نیکنامی / ۳۵
- سلامتی / ۳۶
- موهبت‌ها / ۳۶
- از بیم خویشتن / ۳۷
- دوست جان / ۳۷
- گزند کردار / ۳۸
- سرانجام / ۳۸
- زندگانی، پاک، مرگ، آرام... / ۳۹

- توفیق جانان / ۳۹
- چون نیکی کنم، و چون بدی / ۴۰
- دوست برتر / ۴۰
- حس نامبارک / ۴۱
- آموزش و بهره / ۴۱
- به‌سوی مهربانی / ۴۲
- از تو می‌خواهم / ۴۲
- برای آن‌کس که مرا دوست می‌دارد / ۴۳
- از رنج و سرزنش / ۴۳
- همسایه بد / ۴۴
- مرا دریاب / ۴۴
- راستی و ناراستی / ۴۵
- آزمندی / ۴۵
- روزی بی‌پیگرد / ۴۶
- مرگ بد / ۴۶
- خشیت / ۴۷
- برابر کتابت / ۴۷
- به‌هنگام مرگ / ۴۸
- چنین، زیباست / ۴۸
- دو چشم اشکبار / ۴۹
- زیورهای زبینه / ۴۹
- تو بر سر هر راهی ایستاده‌ای / ۵۰
- برای آنان که سخن و سنت مرا روایت می‌کنند / ۵۰
- مباد که دیگر شود / ۵۱
- ستارگان فسرده می‌شوند، اما تو / ۵۱
- از تو، به‌تو / ۵۲
- اگر زنده‌اش می‌داری، واگر می‌میرانی‌اش / ۵۲
- بر من / ۵۳
- از آن‌تو ست پناه و ثنا / ۵۳
- دلم را به کژی مران / ۵۴
- در روز عید فطر / ۵۵
- شرمگین و دوستدار / ۵۶
- بر پیمان تو پای‌بندم / ۵۷

- خواستار عشق توام / ۵۸
تندرستی، ایمان و نوازش / ۵۹
اگر ستاندی و اگر روانه‌اش کردی / ۵۹
با امت من / ۶۰
فریادخواهی از مهربانی / ۶۰
بیفزایمان، مکاهمان / ۶۱
از گزند خویشتم / ۶۱
جنگ‌افزارهایشان ... / ۶۲
چنان ایمانی / ۶۲
روز بیداری / ۶۳
در دست دوست / ۶۳
از جان‌های ما / ۶۴
ستایشی برابر نعمت / ۶۴
مرا یار باش / ۶۵
به‌نام تو مرگ و حیات / ۶۵
فریاد از آن زمان / ۶۶
تسلیم / ۶۷
شادباش روح / ۶۸
رهنمود به رفتاری که ... / ۶۹
هماره خرسند، هماره شکیب / ۷۰
هیچ‌کس باز نتواند داشت / ۷۱
از دوست نیرنگ‌باز / ۷۲
تو نیک می‌شناسی / ۷۳
در سایه‌ی خود / ۷۴
شما دو تن / ۷۴
از من جدا مکن / ۷۵
درویشی / ۷۶
روشنی چشم من / ۷۷
بگردان به نیکی / ۷۸
به نام‌هایی که دوست‌تر می‌داری / ۷۹
در زمره‌ی خاصان / ۸۰
دوستان پرهیزگار خدا / ۸۱
نفسم را بر من فرمانروا مساز / ۸۲
ای درد، آرام گیر / ۸۳

- من ناتوانم / ۸۴
به پاس هر چه تورا ست، برهانم / ۸۵
به پناه تو، از ... / ۸۶
جز تو، هیچ کس / ۸۷
همه‌ی زندگی من / ۸۸
در پریشانی / ۸۹
نفس پروا پیشه / ۹۰
تنها تو بوده‌ای / ۹۱
کلید گنج‌های نیکی / ۹۲
فریادخواهی در بامداد / ۹۳
من بنده‌ی توام، قرآن، بهار قلبم کن / ۹۴
گنجینه‌های نیکی در دست توست / ۹۵
مدینه‌ی من / ۹۶
شنوای هر آوا / ۹۷
در بامداد با ملکوت / ۹۸
از گزند و فتنه / ۹۹
بهتر از آنچه گوئیم / ۱۰۰
بیداری و همه سپاس / ۱۰۱
در رکن یمانی / ۱۰۲
از تو چه می‌خواهم؟ / ۱۰۳
برای خویشتن / ۱۰۴
با بودن تو / ۱۰۵
بر من ببخش / ۱۰۶
مرا به که می‌سپاری؟ / ۱۰۷
بر ما به مهر بازآ / ۱۰۹
ای همه پشت‌گرمی من / ۱۱۰
از تو، همه نیکی می‌خواهم / ۱۱۲
وعده‌های تو، گفته‌های تو / ۱۱۴
در برابر تو / ۱۱۶
برای خود و یاران / ۱۱۸
در امان توام / ۱۲۰
اگرچه هرگاه ... / ۱۲۳
چه بسیار که باید پناه برد / ۱۲۵
بهره‌ی ما از ایمان / ۱۲۷

- او مرا بس باشد / ۱۲۹
که قرآن را... / ۱۳۱
میان من و دشمنانم / ۱۳۴
زیر نگاه تو / ۱۳۶
ستایشی این چنین / ۱۳۸
نیایشی در سپاسگزاری از خدا / ۱۴۰
در همه‌ی زمان‌ها، در همه‌ی مکان‌ها / ۱۴۳
لذت دیدار می‌خواهم / ۱۴۷
همه‌چیز از آن توست، همه‌جا سخن از توست / ۱۵۰
تو را می‌خوانم / ۱۵۴
به مهربانی تو نیازمندم / ۱۵۸
تو، چینی / ۱۶۴
دست به دامن نام‌های باشکوهت / ۱۷۲
شکوه‌مندانه / ۱۷۹
زره بزرگ (جوشن کبیر) / ۱۹۵
درون، بهتر باد / ۲۴۶
همه چیز پر از ستایش توست / ۲۴۶
بسیار برای تو / ۲۴۷
تنها تو درمانگری / ۲۴۸
نیک و بد تنها به دست توست / ۲۴۸
ای راهنما به راستی / ۲۴۹
زندگی تا نیکی / ۲۵۰
از نیایش‌های پیامبر^(ص) پیش از آغاز جنگ بدر / ۲۵۲
چنین بگو / ۲۵۳
در حجه الوداع / ۲۵۴
نیایشی در آغاز سال / ۲۵۶
آنچه تو برگزینی نیک است (استخاره) / ۲۵۸
گذشت خواهی / ۲۶۰
مرا به حج فراخوان / ۲۶۳
ستم را دور کن / ۲۶۶
نیاز خواهی / ۲۶۸
دعای سحر (نیایش شبگیران) یا دعای مباحله / ۲۷۱
منابع / ۲۷۹

پیشگفتار استاد، دکتر محمود مهدوی دامغانی

با عرض ادب به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت، که درودهای بی‌کران پروردگار بر آن وجود فرخنده باد و بر خاندان گرامیش که پیشوایان برگزیده خداوند برای همگان‌اند، و با سپاس از حسن ظنّ مترجم محترم به یادآوری چند نکته بسنده می‌شود:

(۱) خواننده گرامی توجه فرمایند که شمار آیه‌های قرآن مجید که مربوط به دعا و نیایش و عرض نیاز به پیشگاه پروردگار است چیزی نزدیک به سیصد آیه است؛ یعنی نزدیک به یک‌بیستم مجموعه‌ی آیات قرآنی^۱ که به‌راستی درخور بررسی است و با کمال اندوه، مانند بسیاری از دیگر آموزه‌های قرآنی به‌بوته فراموشی سپرده شده است. پروردگار مهربان، پذیرش دعا و برآوردن نیاز دعاکنندگان را در چند آیه ضمانت فرموده است، که شاید بهترین آنها آیه یکصد و هشتاد و ششم سوره بقره باشد، که خداوند به پیامبر بزرگوار چنین فرموده است:

«و هرگاه بندگانم درباره من از تو می‌پرسند، هان! که من سخت نزدیک

هستم و نیاز خواننده را هرگاه مرا فرامی‌خواند برآورده می‌سازم»

برای آگاهی بیشتر از لطافتی که در این آیه نهفته است به توضیح قشیری مراجعه فرمایید که این آیه را نشانی از کمال عنایت حق تعالی بر بندگان دانسته است^۲ و ثبت این آیه بر سمت راست ناودان رحمت کعبه، بسیار آرامش‌بخش نیازمندان پناه‌برده در حجر اسماعیل، علیه‌السلام است.

۱. برای آگاهی بیشتر از چند و چونی آیه‌های دعا در قرآن، مراجعه شود به کتاب ارزنده «دعیه القرآن» شهرستانی و «الادعیه و التهلیلات من آیات البینات» عالم فقید معاصر سید محمد باقر شهیدی.

۲. لطائف الاشارات، قشیری؛ ص ۱۶۸، چاپ دارالکتاب العربی، مصر، بی‌تاریخ.

و باید توجه داشت که در برخی از آیه‌های قرآن مجید، کلمه دعا به معنای عبادت و پرستش است که نشانی دیگر از ارزش والای این کلمه است. برای نمونه، آیه چهاردهم سوره کهف را که اصحاب کهف می‌گویند: «لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِ الْهَذَا» مفسران بزرگ به معنی پرستش و عبادت معنی کرده‌اند^۱ و این معنی در موارد دیگری هم در آیات قرآن تکرار شده است.^۲

چون قرار بر اختصار است، فقط به این موضوع مهم اشاره می‌کنم که خداوند متعال در آیه آخر سوره فرقان فرموده است: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ» (بگو اگر دعای شما نباشد پروردگارم ارزشی به شما نمی‌دهد). هرچند در آیه و در مرجع ضمیر سخنانی دیگر هم گفته‌اند.

(۲) در مجموعه‌های کتاب‌های حدیث شیعه و سنی شاید بتوان گفت هیچ کتابی خالی از بحث لطیف دعا نیست. نه تنها برشمردن که نشان‌دادن گزینه‌هایی از آن میان، مایه سخن‌درازی می‌شود. ولی برای نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود؛ در کتاب *اصول کافی* چاپ اسلامیه تهران مبحث دعا، یکصد و شصت و نه صفحه است و در *تهذیب الاحکام* شیخ طوسی چاپ نجف ۵۵ صفحه؛ همین گونه است در *صحیح مسلم* و *صحیح بخاری*.^۳ در کتاب‌های اخلاق و عرفان و تصوف هم این موضوع چشمگیر است. اینک برای نمونه و نشان‌دادن ارزش والای دعا به این حدیث توجه فرمایید: «پیامبر که درود خدا بر او و خاندانش باد، فرموده است: دعا ابزار جنگ مؤمن و پایه استوار دین و پرتو آسمان‌ها و زمین است».^۴

(۳) از دیرباز این مسأله در کتاب‌های سده‌های سوم و چهارم مطرح شده است که آیا گرانمایگانی چون پیامبران اولوالعزم که آمرزش خداوندی برای ایشان به صراحت در قرآن مجید تضمین شده است و برای نمونه می‌گوییم در

۱. برای نمونه مراجعه فرمایید به طبرسی، *مجمع البیان*، ذیل آیه ۱۶ از سوره هجدهم، کهف.

۲. مراجعه فرمایید به حسین بن محمد دامغانی، *فقیه سده پنجم، قاموس القرآن*، ص ۷۳، بیروت، ۱۹۷۰م.

۳. بخاری، *صحیح* با شرح کرمانی، ج ۲۲، صص ۱۹۲ / ۱۲۰ و *مسلم*، *صحیح* با شرح نووی، ج ۱۷، صص ۵۲-۱، چاپ مصر.

۴. مراجعه فرمایید به طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۱۴، مصر.

سوره‌های مریم و طه و صافات و دیگر سوره‌های قرآن اظهار عنایت ویژه پروردگار برای گروهی از پیامبران بزرگوار و بانوان فداکاری چون مریم و آسیه که سلام و درود خدا بر همه‌شان باد، به گونه‌ای بیان شده است که تصور می‌شود آنان به‌ظاهر از دعا و تضرع و زاری به درگاه خداوند متعال بی‌نیازند، چرا بیش از دیگران دست تضرع به درگاه حق دراز می‌کنند، آن هم در نیمه‌شبانی که بسیاری از بی‌خبران آسوده آرمیده‌اند؟ پاسخ‌های گوناگون در این باره در کتاب‌های کلامی، به‌ویژه به‌هنگام بحث از عصمت پیامبران و امامان معصوم صلوات الله علیهم اجمعین، داده شده است، که برای آگاهی بیشتر باید به آنها مراجعه کرد. برشمردن همه پاسخ‌ها فراتر از اندازه لازم برای این مقدمه است و اشارتی بسنده خواهد بود که خواننده خواهان است؛ که «هم به‌قدر تشنگی باید چشید». لطفاً به یکی دو مورد توجه فرمایید:

«عبدالله بن شخیر گفته است به‌حضور پیامبر^(ص) رفتم، درحال نمازگزاردن بود، آوای گریستن حضرتش همچون آوای جوشیدن دیگ بر سر آتش بود».^۱

مگر برای عاشقی در مرتبه شناختی که پیامبر مکرم^(ص) از معشوق داشته است ممکن بوده است که سوزوگداز را پوشیده بدارد؟ شعر شاعر بزرگ، سعدی نشانی از همین حالت است، آنجاکه گفته است:

هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم

نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم

«پیامبر^(ص) چندان نماز مستحبی شبانه گزارد که پاهایش آماس کرد، به حضرتش گفته شد با آنکه خداوند متعال همه لغزش‌های گذشته و آینده‌ات را بخشیده است^۲، لازم است این گونه به‌خود رنج دهی؟ فرمود آیا در برابر این احسان خدا، بنده سپاسگزاری نباشم».^۳

۱. ترمذی، شمائل النبی، ص ۱۸۰، ترجمه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲ و بیهقی و نویری و دیگران.

۲. محمد بن سعد، طبقات، ترجمه ج ۱، ص ۳۸۶/مالی طوسی، ص ۲۵۷ و دیگران.

۳. ترمذی، شمائل النبی، ص ۱۵۶، ترجمه.

و این روایت با چند سلسله سند و از گفته‌ی گروهی از یاران پیامبر (ص) نقل شده و به اصطلاح در حد تواتر است.

نکته دیگر که شایسته کمال دقت است و در بسیاری از کتاب‌های معتبر شیعه و سنی آمده است، فزونی بیرون از اندازه ترس و بیم انبیای بزرگوار از ساحت قدس خداوندی است؛ در آیه بیست و هشتم سوره فرشتگان یا فاطر که سی و پنجمین سوره قرآن مجید است، چنین آمده است: «جز این نیست که تنها بندگان عالم خداوند از او می‌هراسند» و آیا کسی از لحاظ علم و دانش و شناخت حق تعالی همسنگ رسول خدا خواهد بود؟ پس بسیار روشن است که در مقام خشیت هم، کسی همسنگ آن سرور نخواهد بود و به همین سبب در حدیث آمده است که حضرت ختمی مرتبت فرموده‌اند: «سوگند به خدا که از همه مؤمنان به خداوند داناتر و از همگان از او بیشتر بیم دارم»^۱. و هم در حدیث آمده است که: «داناترین شما به خدا از همه‌تان از خداوند بیشتر می‌ترسد»^۲. و توجه می‌فرمایید که از لوازم ملکه عصمت، بیم فراوان از پروردگار است و ناله‌ها و زاری‌های موجود در دعا‌های نبی مکرم و امامان معصوم و پیامبران معظم، که درود فراوان حق بر ایشان باد، نشانی از این حالت خوش است و نباید از گریه‌های این بزرگواران در دل‌های شب شگفت‌زده شد. دعای کمیل و بخش پایانی دعای صباح و عرفه و... همین‌گونه است و فزون بر این، هزاران آموزه که دستمایه رستگاری و رسیدن به رضوان و خشنودی حق است در همین دعاها، نهفته است.

در نیایش‌های پیامبر مکرم، نکته‌هایی دیده می‌شود که سخت آموزنده است و باید عموم مردم به‌ویژه زمام‌داران جامعه، آن‌ها را همواره در نظر داشته باشند. چنان‌که به‌فرموده پیامبر اکرم (ص): «از ستم‌کردن و ستم‌پذیری و گمراه‌کردن خلق خدا و گمراه‌شدن به وسیله دیگران به خدا پناه ببرند»^۳. لطفاً

۱. مبینی، کشف‌الاسرار، ج ۸، ص ۱۷۷، چاپ روان‌شاد علی اصغر حکمت، تهران، ۱۳۶۱.

۲. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۴۰۷، صیدا، ۱۳۷۸ق.

۳. ن. گ. نیایش «به پناه تو»، در همین مجموعه.

بنگرید که حضرت ختمی مرتبت در محراب عبادت و خلوت نیایش و دعا چگونه از آنچه گفته شد به خداوند متعال پناه می‌برد و به پیشگاه حضرت حق، با زاری و لابه عرضه می‌دارد که: «پروردگارا! همانا که من به تو پناه می‌برم از اینکه کسی را گمراه سازم یا خود گمراه شوم، و کسی را زبون سازم یا به زبونی افتم، یا بر کسی ستم روا دارم یا بر من ستم روا داشته شود و چیزی را ندانم یا چیزی بر من ندانسته بماند...»^۱

و احتمال این نکته هم هست که منظور از این همه زاری به پیشگاه خداوند، آموزش دادن به خلق باشد. خداوند متعال به عنایت خویش بر همه، منت نهد و خوشی و آرامش‌پذیری از دعاها را ارزانی فرماید. و چه نیکو سروده است مولوی بزرگوار آنجاکه گفته است:

چون خدا خواهد کِمان یاری کند

میل‌مان را جانب زاری کند

ای اخی دست از دعاکردن مدار

با اجابت یا رد آنت چه کار؟

جز تو پیش که برآرد بنده دست

هم دعا و هم اجابت از تو است

نالۀ مؤمن همی داریم دوست

گو تضرع کن که این اعزاز اوست^۲

و چه ساده‌تر و به اصطلاح سهل و ممتنع‌تر شیخ اجل سعدی سروده است آنجاکه گفته است:

تا به خرمن برسد کشت امیدی که تورا است

چاره کار به جز دیده بارانی نیست

گر گدایی کنی از درگاه او کن باری

که گدایان درش را سر سلطانی نیست

۱. زنجانی، موسی، مدینه البلاغه، ج ۲، ص ۴۴۶. و سیوطی، الجامع الصغیر، ذیل حدیث ۱۵۴۶، چاپ بیروت، بی تا.
۲. مثنوی، اسلامیة تهران، صص ۱۳ / ۵۸۸ / ۶۳۳ و ...

نامید از در لطف تو کجا خواهد رفت
تو بیخشای که درگاه تورا ثانی نیست^۱

از اینکه این مقدمه به نسبت طولانی را تحمل فرموده و خوانده‌اید سپاسگزارم.
خداوند به دوست گران‌قدم آقای غراب و گردانندگان خردمند و روشن‌بین
جهاددانشگاهی مشهد توفیق بیشتر در راه نشر ایمان و دانش ارزانی فرماید.

محمود مهدوی دامغانی
مشهد، اول رمضان المبارک ۱۴۲۷ قمری
دوم مهرماه ۱۳۸۵ خورشیدی

پیشگفتار مترجم

نیایش‌های پیامبر گرامی اسلام^(ص) برای نخستین بار است که در یک مجلد، گردآوری و ترجمه گردیده است. جای خالی چنین مجموعه‌ای، به صورت مجزا، در کنار آثار بنیادین این آیین (قرآن، کتب حدیث، نهج‌البلاغه، و صحیفه‌ی سجادیه) به درستی احساس می‌شد.

نیایش‌های پیامبر^(ص) گاه در میان مجموعه‌های رسمی حاوی سنت ایشان^(ص)، نظیر کتب اربعه‌ی شیعه و صحاح سته اهل سنت، آمده است. اما بیشتر آنها را در منابعی می‌توان یافت که اگرچه از حیث قدمت و اهمیت، برخی همسنگ این کتب، و گاه قدیمی‌تر، شمرده می‌شوند؛ اما مقاصد دیگری در تألیف آنها بوده است؛ مقاصد تاریخ‌نگارانه، ادیبانه، تربیت‌مدارانه و غیره (ن.گ فهرست منابع، در آخر کتاب).

شاید اگر این نیایش‌ها، از ابتدا در مجلدها یا فصل‌های مستقل و جداگانه‌ای می‌آمدند، امروزه از جایگاه شایسته‌تری برخوردار بودند. به هر صورت، جداسازی آنها، از میان سایر بخش‌های سنت نبوی، بحث درایت‌الحدیثی پیرامون آنها، تدبر علمی بر روی مضامین آنها، از حیث معرفت مستقیمی که از نگاه بنیانگذار این آیین، در حوزه‌های خداشناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی، می‌بخشند، کاری بایسته و ضروری می‌نماید.

بازتاب نیایش‌های پیامبر (ص) را می‌توان در نیایش‌های ائمه شیعه^(ع)، بویژه نیایش‌های امام علی^(ع)، امام حسین^(ع) و امام علی بن الحسین^(ع)، جست. و شاید بتوان گفت، علت اینکه تاکنون نیایش‌های پیامبر (ص)، جز تعدادی معروف، به‌طور مستقل، مورد توجه قرار نگرفته‌اند، در نزد شیعیان، نقل ضمنی و مضمونی آنها در نیایش‌های ائمه^(ع)، بوده است؛ که از نظر حجم و اشارات تاریخی و تفسیری، در زمان‌های بعد، نیاز بیشتری به بازخوانی و روایت آنها احساس می‌شده است.

نکته‌ی قابل توجه این است که از دیدگاه تاریخی و سنتی، شیعیان به این وجه از تجلیات روحی پیامبر (ص) و ائمه^(ع)، علاوه بر آموزه‌ای عملی برای زیستنی مسلمانانه، همواره به دیده‌ی یک دریچه‌ی معرفتی برای شناخت اسلام، از دیدگاه پیامبر (ص) و عترت^(ع) می‌نگریسته‌اند.

براین اساس، نیایش‌های پیامبر اکرم (ص) را، از دو جهت می‌توان بااهمیت شمرد. یکی از آن جهت که متعلق به بنیان‌گذار این آیین هستند؛ و از این رو مستقیم‌ترین و بی‌آلایش‌ترین معرفت را از موضوعات وابسته، که گوهر آنها اساسی‌ترین موضوعات دینی می‌باشند، در اختیار می‌گذارند؛ و ما می‌توانیم آنها را تفسیری بی‌واسطه و قابل اعتماد از اسلام و جهان‌بینی اسلامی به‌شمار آوریم؛ و دیگر سبک بیان آنها به‌صورت دعا و نیایش است، که به این معرفت، رنگ بی‌رنگی و خلوص و پاکی می‌بخشد، و آدمی را وامی‌دارد با نشان دادن خود در موقعیت گوینده‌ی نخستین آنها، از درون به این معرفت بنگرد و نزدیک شود؛ و در یک تلاش معنوی، معرفت موجود در نیایش را، در آغاز به تجربه‌ی عقلانی درآورد، و در صورت توفیق الهی، به تجربه‌ی باطنی کشاند.

سؤالی که اکنون، و به‌عنوان یک دغدغه‌ی جدی، مطرح می‌شود، این است که به چه میزان می‌توان نسبت به صحت انتساب این نیایش‌ها به شخص پیامبر اسلام (ص)، اطمینان حاصل کرد؟

در پاسخ، آنچه از جنبه‌ی روش‌شناختی می‌توان گفت، در رده‌ی نخست، رعایت شیوه‌ی علمی در گزینش آنهاست. از این نظرگاه، بیشتر منابع مورد استفاده در این مجموعه، قدیمی‌ترین، شناخته‌شده‌ترین و معتبرترین منابع به‌شمار می‌روند (منابع متأخرتری که در فهرست منابع به چشم می‌خورند، برخی جنبه‌ی تأییدی، تصحیحی و تأکیدی داشته‌اند و گاه چون مورد وثوق بوده‌اند، از آنها نقل شده است). به منابع اهل سنت و شیعه به یک چشم نگریسته شده؛ از نظر مضمونی و محتوایی، ملاک، تطابق با پیام‌های قرآنی و عدم خروج از منظر قرآن بوده است؛ از جهت ساختارشناسی زبان، به علم و تجربه‌ی استاد دکتر محمود مهدوی دامغانی - که از منظر تاریخی و شناخت منابع قابل وثوق، مطالعات گسترده‌ای دارند - تکیه گردیده و کار گزینش نیایش‌ها به ایشان سپرده شده است؛ و از این رو هرگاه احتمال انتساب به شخص پیامبر^(ص)، کمتر می‌رفته، به اشاره‌ی ایشان، حذف شده است.

با این همه، احتمال افتادگی‌ها، کاهش‌ها و افزایش‌هایی در آنچه به دنبال می‌آید، می‌رود؛ که در چنین کارهای خطیری، بعید نمی‌نماید.

به‌طور کلی، در نیایش‌های کوتاه، به صحت انتساب، یقین بیشتری حاصل است؛ و در نیایش‌های بلند و بسیار بلند، احتمال افزودگی، به عمد یا غیر عمد، از سوی راویان مختلف یا نسخه‌نویسان (کاتبان)، بیشتر. وجود تکرار، برش و تغییر کلام، در این دست از نیایش‌ها، به این احتمال قوت می‌بخشد.

به نظر می‌رسد روایت نیایش‌ها، از سوی راویان اولیه، یا کاتبان و نویسندگان اعصار بعد، به صورت گزینشی و انتخابی صورت گرفته است (چنان‌که مثلاً در نمونه‌هایی که سیوطی و زمخشری آورده‌اند، مشاهده می‌شود). راویان بعضاً در مناسبت‌های مختلف، بخش یا بخش‌هایی از یک نیایش را به یاد می‌آورده و آنرا نقل می‌کرده‌اند. و از آنجاکه حساسیتی در ذکر همه و یکپارچه آوردن آنها وجود نداشته، پاره‌ای از آنها تقطیع شده و به صورت مجزا درآمده است. چه بسا بسیاری از نیایش‌های کوتاه، اجزای یک

نیایش بلند بوده‌اند. و چه بسا بخش‌هایی از یک نیایش بلند، به دلیل نقل از سوی راویان مختلف، صورت‌های مختلف از مضامینی یکسان و شبیه گردیده و در کنار هم چیده شده و یک نیایش بلندتر را تشکیل داده‌اند (چنان‌که مثلاً در نیایش بسیار زیبا و عمیق جوشن کبیر به چشم می‌خورد).

تکرار برخی از مضامین، بی‌تردید همه‌جا نشان از افزودگی نیست. برخی از مضامین، در چند نیایش به‌طور جداگانه تکرار شده‌اند. در این باره دو احتمال وجود دارد: یا آنکه تکرار بر اثر طرق مختلف روایت ایجاد شده است، و یا آنکه تکرار در اصل نیایش بوده است. به هر صورت، خدای واحدی مخاطب این نیایش‌ها بوده و پیامبر واحدی و شناختی ویژه و یگانه از او برای پیامبر (ص) وجود داشته است. ضمن آنکه ایراد آنها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، برای پیامبر (ص)، ملال‌آور نبوده که در پی زبانی دیگر و صفاتی دیگر برای مخاطب خویش برآید.

با این همه، تنوع مضمون و محتوا، از ویژگی‌های زیبا و اصیل نیایش‌های پیامبر (ص) شمرده می‌شود. توجه به معنا و عدم اصرار بر آوردن کلام به صورت مسجع یا مقفی، از ویژگی‌های جذاب این نیایش‌هاست؛ که توجه خواننده را یکسره به معنای نیایش جلب می‌کنند.

ممکن است همه نیایش‌ها، در نگاه همگان، دارای مضامین عالی و متعالی نباشند. بسیاری از آنها جنبه‌ی آموزشی داشته‌اند (در متن کتاب، در عنوان نیایش، به این دست از نیایش‌ها اشاره شده است). به نظر می‌رسد در اینجا آموزه‌ی «کلم الناس علی قدر عقولهم»، برای گوینده‌ی آن، تعیین‌کننده‌ی سطح تعالی نیایش بوده است. چنان‌که آن‌گاه که به علی (ع) یا فاطمه (س) آموزشی صورت می‌گیرد، سطح تعالی آن با آن‌گاه که آموزش برای دیگر یاران است، متفاوت می‌گردد. گاه اعرابی‌ای تازه‌مسلمان در برابر پیامبر (ص) قرار می‌گرفته و از ایشان (ص) آموزش نیایشی را درخواست می‌کرده است. پاسخ، نیایشی کوتاه، ساده و فراگیر بوده است.

نکته‌ی بارز و برجسته‌ی دیگر در این نیایش‌ها، ترسیم و توصیف دقیق و ریزنگارانه، از سیمای مخاطب آن‌ها، یعنی خداوند بلندمرتبه است؛ که به خواننده، نوعی خداشناسی جاندار و زنده و پُرمایه می‌بخشد (مثلاً نگاه کنید به نیایش معروف جوشن کبیر و نیایشی که آن‌را «شکوه‌مندانه» نامیده‌ایم^۱). خواننده در این نیایش‌ها، هربار با جلوه‌ای از سیمای خدا و فعل او آشنا می‌شود. و این، علاوه بر معرفتی که از خدا در نگاه بزرگترین پیام‌آورش، برای خواننده‌ی خود نقش می‌زند، او را در آرامشی لطیف و نوازشگر فرو می‌برد؛ آرامشی متکی بر معرفت و ایمان.

جلوه‌ی رحمانیت فعل خداوندی در این نیایش‌ها، بسیار برجسته و آشکار است. گویی خداوند جز مهرورزیدن به بندگانش، به هیچ کار دیگری اشتغال ندارد (و این، شاید همان یقین و احساسی باشد که این نیایش‌ها به عنوان هدف، در خواننده‌ی خود، دنبال می‌کنند). این نگاه، برخلاف تربیت سنتی، که متکی بر ترسی کور از خداوند است، رابطه‌ی انسان را با خدا آشتی می‌دهد و او را به زیر چتر رحمت الهی می‌کشاند؛ که حاصل آن، آرامش و اطمینان قلب است؛ آرامش و اطمینانی که هیچ کلامی، پس از قرآن، در خواننده‌ی خود القا نمی‌کند.

در پایان، یکبار دیگر بر خود لازم می‌دانم که از استاد ارجمند جناب آقای دکتر محمود مهدوی دامغانی، که عمری را در تحقیق و ترجمه‌ی متون اسلامی - تاریخی سپری کرده‌اند، یاد کنم. بی‌تردید یآوری‌های خالصانه استاد، مشوق نیرومندی برای اینجانب در انجام این کار بود. کار گزینش این نیایش‌ها کاری سترگ و دشوار بود که به‌دست و همت والای ایشان انجام پذیرفت. همچنین تصحیح ترجمه و ویرایش علمی و ادبی آن، منت دیگری بود که استاد بر اینجانب روا داشتند.

۱. نامگذاری نیایش‌ها، بیشتر به دو دلیل صورت گرفته: نخست از آن‌رو که خوانندگان بتوانند فهرست روشنی در اختیار داشته باشند تا در وقت لزوم به آن رجوع کنند و یافتن یک نیایش در میان سایر آن‌ها دشوار نباشد. و دوم توجه دادن به برجسته‌ترین، یا یکی از نکات برجسته و مهم در آن نیایش.

از دوستان خود در سازمان انتشارات جهاددانشگاهی مشهد که فکر تألیف و تدوین این مجموعه از اندیشه‌ی آنان بود، نیز بسیار سپاسگزارم.

کمال‌الدین غراب

مشهد، شهریور ۱۳۸۵